

## طراحی مدل سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی

مهری سادات موسوی<sup>۱</sup>، بهجت یزدخواستی<sup>۲\*</sup>، علیرضا محسنی تبریزی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۵

### چکیده

این مقاله به طراحی مدل سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی پرداخته و با مطالعه مبانی نظری موجود و مرتبط با موضوع تلاش شده تا به درکی مناسب از این بعد و شاخص‌ها و معرفه‌ای آن نائل گردد و در گسترش دانش پایه موجود در این خصوص نقشی در خور ایفا نماید. با توجه به ابهام مفهومی موجود در این حوزه ابتدا مترادف‌ها و تعاریف مختلف مورد بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به مدل ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی علاوه بر مطالعه اسنادی با صاحب‌نظرانی که در این حوزه فعالیت نموده‌اند مصاحبه به عمل آمده و از نظرت آنان در ساخت مدل استفاده گردد. در نهایت شش شاخص برای سنجش این بعد در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی. سپس مدل در بین ۷۰۰ نفر از دانش‌آموزان شهر تهران اجرا شد. پس از حذف معرف‌هایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۴ بود، سه شرط ذیل برقرار گردید: ۱- بارهای عاملی معرف‌ها همگی مثبت و هماهنگ است. ۲- بارهای عاملی همه معرف‌ها از ۰/۴ بیشتر هستند. ۳- بارهای عاملی به دست آمده در مرتبه پایین‌تر بزرگ‌تر از مرتبه بالاتر هستند. نهایتاً سنجه‌ای با ۸۹ گویه برای سنجش بعد اجتماعی بهزیستی ذهنی به دست آمد. جهت وضوح بیشتر تحلیل مدل، متغیرهای پنهان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. ضریب اعتماد ترکیبی متغیرهای مرتبه بالاتر نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد: عدالت اجتماعی (۰/۹۰۷)، یکپارچگی اجتماعی (۰/۸۸۴)، شکوفایی اجتماعی (۰/۸۳۱)، پذیرش اجتماعی (۰/۸۷۶)، مشارکت اجتماعی (۰/۸۲۹)، امنیت اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان؛ هیئت علمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

۲. \* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

(۰۱/۸۰۶)، بهزیستی ذهنی (۰/۹۵۴). اعتبار ممیز در سطح عامل و استفاده از شاخص فورنل و لارکر، بیانگر آن است که بار عاملی عامل‌های مرتبه پایین که ریشه دوم AVE است از تمام ضرایب سطر و ستونی که در آن قرار گرفته بالاتر و بیانگر اعتبار ممیز مدل کلی است.

واژگان کلیدی: بهزیستی ذهنی، شادکامی، بهزیستی اجتماعی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی

### مقدمه

در دهه اخیر به‌کارگیری مفاهیمی همچون شادکامی، سلامت اجتماعی، نشاط اجتماعی، رفاه، بهزیستی و بهزیستی ذهنی از جمله مفاهیمی هستند که در محیط علمی و مقالات بسیار به چشم می‌خورند. نکته جالب توجه در متون فارسی آن است که این مفاهیم گاه معادل هم در نظر گرفته می‌شوند. در زبان انگلیسی واژگان Well-being، Welfare، happiness، social health هر یک دارای بار مفهومی خاص خود است.

تعریف سازمان جهانی بهداشت از سلامتی، مفهوم «بهزیستی»<sup>۱</sup> را به وجود آورد و امروزه در جوامع علمی این مفهوم از جامعیت بیشتری برخوردار است. شادی و شادکامی<sup>۲</sup> مهم است لیکن آن تمام چیزی نیست که در واژه بهزیستی نهفته است. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران آنچه باید بر آن متمرکز بود بهزیستی است و نه شادکامی. شادکامی صرفاً یکی از مؤلفه‌های بهزیستی است. در واقع شادکامی عنصر عاطفی از مؤلفه تجربی ذهنی است. مؤلفه بازتابنده خودآگاهی، جنبه دیگری از بهزیستی ذهنی است که بسیار حائز اهمیت است. سلامت و عملکرد فرد و همچنین محیطی که شخص در آن زیست می‌کند نیز در این خصوص مهم تلقی می‌شود. از تجاربی که افراد از شادی زودگذر به هنگام مصرف اکستازی برایشان پدید می‌آید نمی‌تواند بیانگر بهزیستی باشد زیرا در واقع عملی در شأن افراد به حساب نمی‌آید (هنریک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). «بهزیستی» هر فرد یا هر گروه از افراد دارای اجزاء عینی و ذهنی است.

1. Well-being
2. Happiness
3. Henriques

برخی از جامعه‌شناسان احساس می‌کنند که موضوع بهزیستی ذهنی باید در روان‌شناسی مطرح شود زیرا تصور می‌کنند این عامل، حالتی ذهنی است نه یکی از شرایط جامعه. افرادی همچون وینهون دلایل صحیح نبودن این اعتقاد را چنین بیان می‌دارد: بهزیستی ذهنی افراد شامل اطلاعات مهمی در مورد کیفیت نظام اجتماعی است که آن‌ها در آن زندگی می‌کنند. اگر افراد احساس بدی داشته باشند، مشخص است که نظام اجتماعی برای سکونت انسان مناسب نیست. یکی از اهداف جامعه‌شناس، کمک به بهتر شدن جامعه است و مطالعه بهزیستی ذهنی سرخ‌هایی را برای یک جامعه قابل زندگی تر فراهم می‌کند (وینهون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

بهزیستی ذهنی. بنا به تعریف داینر، بهزیستی ذهنی، قضاوت مثبت از زندگی و احساس خوب است؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود که فرد دارای بهزیستی ذهنی زیادی است به آن معناست که شاهد رضایت از زندگی و لذت مکرر باشد و تنها به‌ندرت احساسات نامطلوبی مانند ناراحتی یا عصبانیت را تجربه کند. برعکس وقتی گفته می‌شود فرد دارای بهزیستی ذهنی کمی است که از زندگی خود راضی نباشد، لذت و مهربانی کمی را تجربه کند و به‌طور مکرر احساساتی منفی مانند عصبانیت و اضطراب داشته باشد (داینر<sup>۲</sup>، سو و اویشی، ۱۹۹۷). به نظر وینهون (۲۰۰۸) این ویژگی جامعه‌شناختی با تفاوت دیگری نیز پیوند می‌خورد: تفکرات جامعه‌شناختی بهزیستی ذهنی نه تنها مربوط به این هستند که فرد در مورد یک پدیده چه احساسی دارد بلکه اغلب به این موضوع می‌پردازند که چرا فرد چنین احساسی دارد (دلیل، بخشی از مفهوم است). لذا همان‌گونه که بی‌هنجاری تنها حالتی ذهنی در نظر گرفته نمی‌شود و واکنشی به فرسایش هنجاری در جامعه است، جامعه‌شناسان، بهزیستی ذهنی را به‌صورت برساختی شناختی<sup>۳</sup> می‌بینند که به‌وسیله تصورات و تفکرات جمعی در خصوص زندگی خوب و در نتیجه مقایسه‌ها و به‌خصوص مقایسه اجتماعی شکل گرفته است. استنباط رایج در متون علمی داخل کشور از این اصطلاح در جدول ذیل آمده و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در زبان فارسی معادل‌سازی‌های واژه‌های انگلیسی Happiness،

---

1. veenhoven  
2. Diener, Suh & Oishi  
3. Cognitive Construct

Subjective well-being، well-being و بعضاً Vitality متفاوت صورت گرفته و یا بالعکس برای واژگان متفاوت در انگلیسی، معادل‌های یکسان بکار رفته است. به همین دلیل تشتت مفهومی به شدت در این حوزه به چشم می‌خورد. این تشتت در خصوص واژه Subjective well-being کمتر از Happiness و well-being است:

معادل انگلیسی	تعاریف ارائه شده	منابع	معادل در نظر گرفته شده
Happiness	ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود	وینهون، ۲۰۰۱	نشاط اجتماعی
	احساس مثبت فرد و ارتباط آن با رضایت خاطر او از زندگی.	ارگیل <sup>۱</sup> ، ۲۰۰۱	
	چگونگی داوری فرد درباره گذران زندگی خود	سلیگمن <sup>۲</sup> ، ۲۰۰۲	
	قضاوت شخص درباره مطلوبیت کیفیت کلی زندگی خود.	جانسون و	
	دل‌بستگی به خود و دیگران و تعبیری مثبت از موافق بودن جریان‌های حیات با نیازهای انسانی.	چلبی، ۱۳۸۳	
	نشاط یک احساس فردی نیست، بلکه واقعیتی مستقل از احساسات فردی است و عبارت است از دستیابی به چیزهایی که از نظر عموم واقعاً ارزشمند به حساب می‌آیند.	دارلینگ و استینبرگ <sup>۴</sup> ، ۱۹۹۳ هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸	
	نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقتاع ذهنی و اجماع عینی است؛ یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط باهم مقارن باشند.	عنبری، ۱۳۹۲	
	نشاط عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است.	گلایی و اخشی، ۱۳۹۴	
	نشاط اجتماعی به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود.	هزارجریبی، ۱۳۹۲ ارگیل، ۲۰۰۱	
	حالات روانی مثبت است که عبارت‌اند از سطح بالای رضایت، شادی ذهنی، سلامت ذهنی و سلامت روان‌شناختی.	فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲	
Subjective well-being	کم و کیف شادمانی افراد با احساس رضایت و خشنودی آن‌ها از احساس چهارگانه در سطح فردی و جامعه‌ای است. چهار بعد اصلی برای نظام شخصیتی انسان عبارت‌اند از: برون‌گرایی، نژند‌گرایی، بعد انسجامی و شناختی.	چلبی، ۱۳۸۴	شادکامی / شادمانی
	افراد با مقایسه شرایط و یا عملکرد واقعی	عنبری و حقی، ۱۳۹۳	

1. Argyle
2. Sligman
3. Johnson & Krueger
4. Darling & Stinberg

پلاچیک، ۱۳۷۱؛ آرگیل، ۲۰۰۱	خود با شرایط استاندارد در مورد شادی و شادکامی خود قضاوت می‌کنند، در صورتی که مقایسه مطلوب باشد، احساس شادی تسهیل و در غیر این صورت این احساس دچار وقفه خواهد شد.
ریو، ۱۳۹۶	شادی ترکیبی از عاطفه مثبت بالا و عاطفه منفی پایین، احساس مثبتی که ناشی از حس ارضا و پیروزی است، معنا شده است.
آیزنک، ۱۳۷۸	مجموع لذت‌های منهای درد. حفظ تمایلات و تلاش برای ارضای آن‌هاست
طریقه‌دار، ۱۳۷۹	حالتی که فرایند نیل به علاقه‌ها در آدمی به وجود می‌آورد.
وینهوون، ۱۹۸۸	قضاوت فرد از درجه میزان مطلوبیت کیفیت کلی زندگی.
سلیگمن و دانر، ۲۰۰۲	شادکامی عبارت است از بشاش بودن و مسرور بودن که در رفتار فیزیکی و تجربه هیجانی قابل مشاهده است و این حالت با واژه تبسم، سرور و وجد نزدیکی دارد و به بروز صفات و عواطف خوشایند روانی و ظهور علائم مثبت اجتماعی در افراد اطلاق می‌شود و یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است که نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و احساس او ایفا می‌کند
داینر، سو و اویشی <sup>۱</sup> ، ۱۹۹۷	بهزیستی ذهنی، قضاوت مثبت از زندگی و احساس خوب است
میخالس <sup>۲</sup> ، ۱۹۸۵	بهزیستی ذهنی شکافی است بین ادراکات فرد از زندگی واقعی با تصورات او از زندگی آرمانی
وینهوون، ۲۰۰۸ به نقل از داویس و استرانگ <sup>۳</sup> ، ۱۹۷۷	بهزیستی ذهنی یک ارزیابی انعکاس یافته است. هنگامی که افراد پیرامونمان، ما را خوشبخت در نظر می‌گیرند، باید زندگی خود را مثبت بدانیم و هنگامی که دیگران ما را بازنده ببینند، زندگی خود را منفی ارزیابی می‌کنیم
داینر، ۲۰۰۰	بهزیستی ذهنی به مجموع واکنش‌های ارزشی برمی‌گردد که هنگام مواجهه فرد با محرکی در دنیا، رخ می‌دهد.
کییز <sup>۴</sup> ، ۱۹۹۸	بهزیستی ذهنی، مجموعه حالات برگرفته از سه بعد بهزیستی احساسی، روانی و اجتماعی است.
گودمن <sup>۵</sup> ، ۱۹۹۹	ارزشیابی زندگی برحسب رضایت و تعامل داشتن بین حالات عاطفی مثبت و منفی

Subjective well-being

1. Diener, Suh, Oishi
2. Michalos
3. Davies & Strong
4. Keyes
5. Goodman

کنکاشی در خصوص ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی. زیگمونت باومن<sup>۱</sup> به نقل از ریچارد لایارد در کتاب هنر زندگی، بیان داشته که در مقایسه‌ای تطبیقی میان ملل مختلف می‌توان دریافت که با افزایش سطوح تولید ملی، شاخص رضایت از زندگی نیز رشد می‌یابد ولی رضایت از زندگی به‌طور معناداری تا نقطه‌ای معین، جایی که نیازمندی و فقر از بین می‌رود و نیازهای حیاتی و ضروری ارضاء می‌شود، افزایش می‌یابد ولی پس از آن به‌رغم افزایش رفاه، رشد رضایت از زندگی متوقف می‌شود و یا به‌شدت سرعت آن کاهش می‌یابد. معمولاً با افزایش سطح رفاه، میزان مجرمیت نیز افزایش می‌یابد و احساس ناراحتی و عدم اطمینان نیز رشد می‌کند. افزایش ماشین، افزایش تصادفات و قربانیان را به دنبال دارد و به‌این ترتیب تعمیر ماشین و درمان پزشکی افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال با از بین رفتن کیفیت آب‌لوله‌کشی باید هزینه بیشتری صرف خرید آب‌معدنی نماییم ولی مدتی بعد به دلیل احتمال تقلب و ... باید بطری‌ها نیز در بدو ورود به اماکن حساس همچون فرودگاه مورد بازرسی قرار گیرند (باومن، ۲۰۱۳).

در حدود نیمی از کالاهای حیاتی برای شادی و رضایت از زندگی را نمی‌توان از مغازه‌ها خریداری کرد. عشق، دوستی، لذت روابط خانوادگی، رضایت برآمده از نوع دوستی، عشق‌ورزی به کسی، کمک به همسایه‌ای در تأمین خواسته‌اش، اعتماد به نفس برآمده از انجام صحیح کاری، لذت کاری استادانه و ... در بازار یافت نمی‌شود، قدردانی، همدردی و احترام به همکاران و سایر افراد، در بازار قابل خریداری نیست. امروزه بسیاری از افراد به دلیل ضیق وقت، درصددند باهم بودگی خود را با خرید هدایایی گران‌قیمت جبران نمایند. هر چه ارائه کالاهایی که با پول نمی‌توان خرید، کاهش یابد، بیانگر میل کمتری به همکاری با دیگران در تولید است و احساس گناه و نارضایتی و ناشادمانی عمیق‌تری را به همراه خواهد داشت. آرزوی جبران چنین احساس گناهی، فرد صاحب عذاب وجدان را به خرید بیشتر ترغیب می‌کند و کالای قابل خرید را جایگزین آنچه خریدنی نیست می‌نماید و به‌عنوان مثال، زمان بیشتری را صرف پول درآوردن می‌نماید تا چنین خریدهایی نماید. بدین ترتیب شانس ایجاد

یا به اشتراک گذاردن کالاهای غیرمادی که مورد غفلت قرار گرفته ضعیف تر می شود زیرا فرد بیش از اندازه مشغله می یابد و خستگی، مانع از آن می شود که امکان درخواست یا ارائه کالاهای غیر خریدنی (عشق، محبت، باهم بودگی، هم صحبتی و...) را ندارد (باومن، ۲۰۰۸). اگر کسی به طور جدی و پیوسته نگران تأثیرات نامعلوم هوای آلوده و مواد سمی بر جسم خود باشد، زندگی روزانه برایش به راستی دشوار می شود و اضطراب در تمام فعالیت های او ریشه می دواند. از نظر گیدنز با دورنمایی که نه تنها از آلودگی، بلکه از گرم شدن جهان، سوراخ شدن لایه اوزون و از این قبیل دیده می شود، جای شگفتی نیست که چرا تردیدهای ژرف درباره ایمن بودن نظام صنعتی به حسب معمول به «محاق بی اعتنایی» سپرده می شوند. ولی در سطح جمعی، این بی اعتنایی مانع از تقابل با محیط مخاطره آمیز می شود و این رو درویی را تا زمانی که خطرها با قطعیت بیشتری تشدید می شوند به آینده موکول می کند. به نظر گیدنز، تغییراتی که در جنبه های خصوصی زندگی شخصی ایجاد می شود بستگی مستقیم به استقرار پیوندهای اجتماعی بسیار فراخ دامنه دارد (کسل، ۱۳۸۳).

گیدنز، مدرنیته را به عنوان فراگیرترین واقعیت عصر حاضر، هم نویددهنده فرصت هایی برای بشر می داند و هم به بارآورنده مخاطرات. از نظرت گیدنز می توان برداشت کرد مدرنیته آفریننده ی بسیاری از وقایع پیش بینی نشده و درعین حال دلهره آور و خطرناکی است که هیچ تضمینی بر شادمانی، خرسندی باثبات و رضایت برای انسان هایی که در این عصر زندگی می کنند، ندارد؛ به عبارت دیگر پایه های احساس امنیت هستی شناختی در دوران مدرن، متزلزل شده است. عوامل تهدیدکننده بهزیستی ذهنی و شادمانی را از نظر او می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- تهدیدهای خشونت آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ
- متزلزل شدن ریشه های اعتماد به نظام های انتزاعی از جمله آثار و خیمی که تولیدات صنعتی به بار می آورند
- بی معنایی شخصی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی

از نظر میخالس (۱۹۸۵)، بهزیستی ذهنی شکافی است بین ادراکات فرد از زندگی واقعی با تصورات او از زندگی آرمانی<sup>۱</sup>. در راستای همین اندیشه است که معمولاً بیان می‌شود صنعت تبلیغات، بهزیستی ذهنی ما را کاهش می‌دهد زیرا رؤیاهای یک زندگی غیرقابل دسترس را برای افراد معمولی تقویت می‌کند. از جمله مثال‌های این دیدگاه این ادعا است که بهزیستی ذهنی را می‌توان با قناعت<sup>۲</sup> خرید (وینهون، ۲۰۰۸).

مکانیسم مطرح دیگر از سوی وینهون، تمایل به نگرستن به خود و بهزیستی ذهنی ما از طریق چشمان دیگران است<sup>۳</sup>. در این دیدگاه بهزیستی ذهنی یک ارزیابی انعکاس یافته است. هنگامی که افراد پیرامونمان، ما را خوشبخت در نظر می‌گیرند، زندگی خود را مثبت می‌دانیم و هنگامی که دیگران ما را بازنده ببینند، زندگی خود را منفی ارزیابی می‌کنیم. (وینهون، ۲۰۰۸: ۴ به نقل از داویس و استرانگ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷).

برخی اظهار داشته‌اند شرایط برای بهزیستی ذهنی میان فرهنگ‌ها متفاوت است. مقایسه متوسط بهزیستی ذهنی میان کشورها نشان‌دهنده الگویی مشترک است. بهزیستی ذهنی به‌طور سیستماتیک در کشورهایی بالاتر است که استاندارد مادی بهتری از زندگی را فراهم می‌کنند، از نظر سیاسی دموکراتیک هستند و به‌خوبی اداره می‌شوند و اعتماد و بردباری در جو فرهنگی آن‌ها رایج است. با در نظر گرفتن همه موارد این ویژگی‌های جامعه‌شناختی عینی تقریباً ۷۵ درصد تفاوت‌ها در بهزیستی ذهنی میان کشورها را توصیف می‌کنند (وینهون و کالمین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

به نظر برخی صاحب‌نظران، توجه به برخی موضوعات، خصوصاً از سوی دولت‌ها می‌تواند در افزایش بهزیستی ذهنی اعضای جامعه مؤثر واقع شود:

- کاهش مصرف زیاد از طریق وضع مالیات‌های سنگین برای کالاهای لوکس

۱. این تعریف با تعریف محرومیت نسبی قرابت دارد

2. Resignation

۳. این مکانیسم یادآور خود آیین‌سان کولی است

4. Davies & Strong

5. Veenhoven & Kalmijn



- محدود کردن تبلیغات، به خصوص تبلیغاتی که از تصاویر زندگی غیرقابل دسترس، برای یک فرد معمولی استفاده می کنند (فرانک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹ و لایارد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). از نظر اویشی، داینر، لوکاس و سو (۱۹۹۹)، در کشورهای کم درآمد (جمع گرا) رضایت مندی از توان مالی، پیش بینی کننده بهتری برای بهزیستی ذهنی است در حالی که در کشورهای ثروتمند (فردگرا) اهمیت زیادی برای «خود» قائل اند.

داینر، سو، اسمیت و شائو (۱۹۹۵) پس از تحلیل اطلاعات میخالس از چند کشور و بررسی اطلاعات خودشان از چین، کره و آمریکا دریافتند در اهمیت بهزیستی ذهنی تفاوت های فرهنگی وجود دارد (برای مثال گفتن «من شادم» ممکن است در برخی کشورها مطلوب و در برخی دیگر پسندیدگی اجتماعی آن متفاوت باشد)

حتی وقتی که شرایط عینی زندگی (داشتن فرصت هایی برای تعلیم و تربیت، خدمات بهداشتی، مسکن مناسب، حمل و نقل مطلوب و تفریح خوب) نسبتاً قابل قبول اند. مردم کشورهای آسیای شرقی به گونه ای رفتار می کنند گویا این شرایط را مناسب نمی دانند.

بهزیستی ذهنی با اصطلاح رایج شادکامی در ارتباط است و ممکن است از افسردگی تا شغف را در برگیرد. همچنین ممکن است هم دارای بعد عاطفی باشد (من احساس خوبی درباره زندگی ام دارم) و هم دارای بعد شناختی باشد (من فکر می کنم جنبه های گوناگون زندگی ام همچون خانواده، شغل و تحصیل و غیره رضایت بخش اند)

وقتی که افراد مطابق هنجارها رفتار می کنند اغلب آن ها بهزیستی ذهنی بالاتری خواهند داشت اما اگر کسی برخلاف هنجارهای درون گروهی عمل کند بهزیستی ذهنی او پایین خواهد آمد. این امر نشان دهنده آن است که در شرایط آنومیک جامعه، افراد از بهزیستی ذهنی بالایی برخوردار نخواهند بود.

عوامل انگیزشی فرهنگ ها در بهزیستی ذهنی. خود ادراکی ما تا حد زیادی به این وابسته است که ما خود را چگونه می خواهیم ببینیم (داینر و سو، ۲۰۰۰: ۹۰). آیا در فرهنگ جامعه این اعتقاد وجود دارد که بهزیستی ذهنی به توانایی های شخصی وابسته است و یا اعتقاد بر این

---

1. Frank  
2. Layard

است که عوامل بیرونی‌ای که کمتر قابل کنترل‌اند، می‌توانند اعضا را چنان تحت تأثیر قرار دهند که خود را مثبت بنگرند. به‌عنوان مثال، آمریکایی‌ها معتقدند که افراد شاد نسبت به افراد غمگین بیشتر احتمال دارد که به بهشت بروند (کینگ و نپا، ۱۹۹۸)

جنبه منفی فردگرایی، این است که حداقل از دیدگاه شخصی، هر فرد مسئول ناخشنودی و ضعف احترام به خود است. اعضای فرهنگ‌های فردگرا تلاش فراوانی را صرف متقاعد کردن خود و دیگران می‌کنند که خوشحال، با اعتمادبه‌نفس و کنترل‌کننده کامل زندگی خود هستند. به نظر می‌رسد از جهاتی چنین دلایل انگیزشی به‌طور ضمنی باعث افزایش گزارش‌های بهزیستی ذهنی اعضای فرهنگ آمریکای شمالی می‌شود.

در فرهنگ‌های عمدتاً شرقی، اعتقاد بر این است که پایان هر غم، شادی است و برعکس؛ بنابراین به افراد آموزش داده می‌شود که خوشحالی نباید لذت افراطی را به همراه بیاورد. جنبه مثبت این منطق این است که می‌بایست غمگینی حاضر را با امیدواری به آینده تحمل کرد چون خوشحالی قریب‌الوقوع است. در شرق اعتقاد بر این است که کم‌وزیاد شدن خوشحالی در زندگی ضرورتاً به وسیله نیروهای الهی تعیین می‌شوند و به افراد پند داده شده که بیاموزند چگونه با هر آنچه به آن‌ها عطا شده، راضی باشند. پیامد مهم این اعتقادات عامیانه این است که افراد آسیای شرقی شخصاً کمتر خود را ملزم به خوشحال بودن می‌دانند و نسبت به اعضای فرهنگ آمریکای شمالی از زندگی خود راضی‌تر هستند. (داینر و داینر، ۱۹۹۵). ارزش فرهنگی به‌طور کلی بر مفهوم بهزیستی ذهنی اثرگذار است و به نظر می‌رسد از این جنبه فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا متفاوت باشند.

عوامل شناختی فرهنگی. داینر و فوجیتا (۱۹۹۴) دریافتند که در شرایط طبیعی، اطلاعات قبلی فرد درباره خود، نسبت به اطلاعات عینی مقایسه اجتماعی، تأثیر چشمگیرتری بر بهزیستی ذهنی او دارد. این در حالی است که ارزیابی خود برحسب معیار خودمحرورانه درونی اهمیت کمی برای اهداف عمده‌ی اعضای فرهنگ جمع‌گرا دارد. در نتیجه خودارزیابی‌های مردم آسیای شرقی به‌شدت بر معیارهای بیرونی قابل مشاهده‌تر استوار است. معیارهایی همچون

هنجارها و انتظارات دیگران که متأسفانه در مقایسه با معیارهای درونی، اصلاح، تغییر یا نادیده گرفتن آن‌ها دشوارتر است. (داینر و سو، ۲۰۰۰)

رضایتمندی از روابط با دیگران در پیش‌بینی رضایتمندی کلی از زندگی حائز اهمیت است. کیفیت روابط با دیگران نقش محوری‌تری را در فرهنگ جمع‌گرا نسبت به فرهنگ فردگرا بازی می‌کند. مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱) دریافتند که افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا انتظارات والدین و دوستان را درونی می‌کنند، درحالی‌که افراد در فرهنگ‌های فردگرا بر انتظارات خودشان تکیه می‌کنند. سو و داینر (۱۹۹۹) نیز دریافتند که میزانی که فرد نزدیک به معیارهای بیرونی زندگی می‌کند، به‌عنوان بهترین شاخص‌های رضایتمندی از زندگی در جوامع جمع‌گرا است.

داینر و اویشی (۲۰۰۰) بیان داشتند که در رویکرد فرهنگ، تفاوت در بهزیستی ذهنی تا حدودی به آنچه برای مردم ارزشمند است بستگی دارد. اگر مردم ارزش زیادی برای پول قائل باشند به احتمال زیاد، کسب پول بیشتر به افزایش بهزیستی ذهنی آنان منجر خواهد شد. در الگوی خواسته‌های مادی، اگر برای به دست آوردن چیز دلخواه هیچ امکانی وجود نداشته باشد، پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن نارضایتی باشد با این حال، خواسته‌ها می‌توانند تغییر کنند و بنابراین فرد ممکن است هدف‌های خود را برای سازگاری با شرایطی که در آن دسترسی به هدف ممکن نیست تعدیل کند.

آنچه کمتر وینهوون و دیگران به آن اشاره داشته‌اند، مقایسه ذهنی فرد میان وضعیت خود به لحاظ ایمانی با وضعیت مطلوب است. در بین بسیاری از افرادی که دارای پایبندی دینی هستند، حتی اگر از لحاظ شرایط عینی وضعیت مطلوبی داشته باشند، در صورتی که در به‌جای آوردن دستورات دینی خود، اهمال نموده باشند، به لحاظ ذهنی رضایت از زندگی کمتری دارند درحالی‌که پس از انجام و به‌جای آوردن این دستورات، رضایت از زندگی‌شان بالاتر و از درون خود را افراد شادتری حس می‌کنند.

همچنین فرد سالم احساس می‌کند که بخشی از اجتماع است و خود را با دیگرانی که واقعیت اجتماعی را می‌سازند سهیم می‌داند. زمانی فرد احساس همبستگی با اجتماع خود دارد که در آن مردم احساس کنند که چیز مشترکی بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی

را می‌سازند وجود دارد. نبود احساس همبستگی اجتماعی در بالاترین سطح خود، به خودکشی می‌انجامد.

سایر نظراتی که می‌توانند ما را در دستیابی به ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی یاری رسانند عبارت‌اند از:

نابرابری اجتماعی / عدالت اجتماعی. نابرابری هنوز هم موضوعی اصلی در جامعه‌شناس است. در این راستا جامعه‌شناسان به بهزیستی ذهنی از جنبه نابرابری نیز می‌نگرند. تصور می‌شود افرادی که احساس بدی دارند، به گونه‌ای از چیزی محروم شده‌اند و افرادی که از عاملی محروم شده‌اند، احساس بدی دارند. نابرابری اجتماعی معمولاً به معنی دسترسی متفاوت به منابع کمیاب تعریف می‌شود و منابع اشاره‌شده در متون اجتماعی معمولاً شامل درآمد، قدرت و منزلت می‌باشند. عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند. عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و درجایی قرار گیرد که سزاوار آن است (نوابخش، ۱۳۹۰). احساس عدالت، برآیندی از ذهنیت و عینیت عدالت در جامعه است (نوایی لواسانی و همکاران، ۱۳۹۲). در مدل ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی، احساس عدالت اجتماعی بر اساس سه نوع عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. احساس عدالت توزیعی مبین احساس مردم به تکالیف دولت است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی به دست دولت را نشان می‌دهد. احساس عدالت رویه‌ای، مبین رعایت عدالت و انصاف در رویه‌های جامعه و نیز رویه‌های سازمانی است (هزارجریبی، ۱۳۹۰). افراد عدالت را از برخوردی نیز استنباط می‌کنند که در روابط متقابل شخصی با آنان می‌شود که از آن به عدالت مراوده‌ای تعبیر می‌شود (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۷). هم‌چنین این عدالت بیان می‌کند که افراد حق ندارند در مسیر رسیدن به اهداف عادلانه، مراوداتی غیر عادلانه را بین خود و دیگران رقم بزنند (رگو<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۶؛ بلاکلی و دیگران، ۲۰۰۵). بعضی عدالت مراوده‌ای را به دو جزء فرعی

تقسیم می‌کنند: جزء فرعی اول، همان رفتار منصفانه، مؤدبانه و محترمانه را شامل می‌شود و جزء فرعی دوم شامل توضیحات و گزارش‌های اجتماعی است که دلیل اتفاقات ناگوار و ناخوشایند را بیان می‌کند. در این خصوص گفته می‌شود افراد زمانی که به اندازه کافی با واقعیت‌ها آشنا شوند، بسیار با گذشت‌ترند تا در زمان عدم بیان واقعیت‌ها (مشرف جوادی و ابوطالبی، ۱۳۸۹: ۱۵).

مشارکت اجتماعی. مشارکت اجتماعی، منجر به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود که می‌توان از آن برای خلق بهزیستی ذهنی استفاده کرد. مشارکت اجتماعی؛ به خودی خود پر مزیت است، نه تنها به این علت که این مشارکت شامل تماس‌هایی پرفایده با سایر افراد است بلکه به این علت که مشارکت اجتماعی، احساس داشتن کنترل و بخشی از جامعه بودن را پرورش می‌دهد.

سرمایه اجتماعی به عنوان سازه یا مفهومی پیچیده و چندوجهی، به پدیده‌ای دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن، اجتماع، یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است ... سرمایه اجتماعی، دارای دو جنبه اصلی عینی یا ساختاری و ذهنی یا شناختی است. جنبه عینی، نمایانگر تعاملات و پیوندهای بین اعیانی، نظیر انسجام اجتماعی و جنبه ذهنی، بیانگر تعاملات و پیوندهای بین اذهانی، چون اعتماد اجتماعی است (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۳۴). مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. مشارکت اجتماعی یعنی چه میزان فرد احساس می‌کند که آنچه انجام می‌دهد در نظر اجتماع ارزشمند و در رفاه عمومی مؤثر است. کیز (۱۹۹۸) معتقد است که مشارکت اجتماعی با مفهوم کارآمدی شخصی که باندورا مطرح می‌کند همپوشانی دارد و نیز می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود، تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد.

حمایت اجتماعی. حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است (سارافینو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). برخی حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر آن را ناشی از ادراک فرد می‌دانند. ساراسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۸)

---

1. Sarafino  
2. Sarason

حمایت اجتماعی را مفهومی چندبعدی می‌داند که هر دو را در برمی‌گیرد. افرادی که حمایت اجتماعی بالاتری دارند از سلامت بهتری برخوردارند (بویر، چموت و پرنگر ۲۰۰۴). بررسی‌ها گویای آن است که واکنش‌های فیزیولوژیک نسبت به استرس، تحت تأثیر حمایت اجتماعی تغییر می‌کنند. حمایت اجتماعی به‌عنوان یک احساس ذهنی در مورد تعلق، پذیرش و دریافت یاری در شرایط موردنیاز تعریف شده است. از طرف دیگر، حمایت اجتماعی به‌عنوان مقیاسی از برآورده کردن نیازهای احساسی، رضایت، تعلق و امنیت برای دیگران بیان شده است (برلسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

حمایت اجتماعی یکی از شقوق پذیرش اجتماعی است. پذیرش اجتماعی، نسخه اجتماعی پذیرش خود است. پذیرش اجتماعی یعنی احساس پذیرفته شدن در گروه‌های اجتماعی که فرد علاقه‌مند و مشتاق به عضویت در آن‌هاست. پذیرفته شدن در گروه ناشی از ارزشی است که فرد در گروه دارد و این ارزش گاه می‌تواند ناظر به منافع مادی باشد و گاه فی‌نفسه به خاطر خود فرد و فارغ از منافع مادی.

افرادی که نگرش مثبتی به شخصیت خود دارند و جنبه‌های خوب و بد زندگی خود را توأمان می‌پذیرند نمونه‌هایی از سلامت روانی و اجتماعی هستند. منظور از پذیرش اجتماعی، درک فرد از جامعه با توجه به خصوصیات سایر افراد است. پذیرش اجتماعی شامل پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها است که همگی آن‌ها باعث می‌شوند فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند. کسانی که دیگران را می‌پذیرند به این درک رسیده‌اند که افراد به‌طور کلی سازنده هستند. افرادی که دارای این بعد از سلامت هستند، اجتماع را به‌صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و به دیگران به‌عنوان افراد با ظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند و باور دارند که مردم می‌توانند ساعی و مؤثر باشند. در پذیرش اجتماعی، فرد، اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارد و می‌پذیرد.

نظریه نظام شخصیت. چلبی شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات میان نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت جست‌وجو کرده، با بهره‌گیری از چهارچوب مفهومی چندبعدی که از انسان، شخصیت و جامعه در اختیار می‌گذارد، کم و کیف شادمانی افراد را مرتبط با احساس رضایت و خشنودی آن‌ها از حوزه‌های چهارگانه در سطوح فردی و جامعه‌ای می‌داند. به بیان دقیق‌تر، این نظریه را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد که منبع تأمین علقه‌های چهارگانه انسان (علقه‌ی مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی) در ارتباط تنگاتنگ با امر اجتماعی و به عبارتی حوزه‌های چهارگانه نظام جامعه‌ای است. طبق این دیدگاه چنانچه هر کدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخ‌گوی مؤثر علقه‌های برتر (معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هر کدام می‌توانند موجبات نوعی «احساس مثبت» که هر کدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است را فراهم نمایند، یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس هم‌بستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند.

مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۹۹۳، با عنوان «مکتب کپنهاگ» و توسط اندیشمندانی نظیر لمیتر<sup>۱</sup>، باری بوزان<sup>۲</sup> و ال ویور<sup>۳</sup> مطرح شده است (ریچل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۱۵۳). بوزان یکی از ابعاد امنیت را امنیت اجتماعی می‌داند. امنیت اجتماعی در واقع، توانایی جامعه در دفاع از ویژگی‌های اساسی خود در برابر حوادث، واکنش‌ها، تغییرات و تهدیدهای واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جامعه در رابطه با هویتش احساس خطر می‌کند (هی شین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰: ۴۲۸). به‌طور کلی امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد اطلاق می‌شود که در تعامل و ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت نمود می‌یابد (مولر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰: ۲۳). احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به

1. Lemaiter
2. Ole Waever
3. Barry Buzan
4. Rischel
5. Hee Shin
6. Moller

مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشانی و ذاکری، ۱۳۹۱: ۱۵۵). احساس امنیت، یکی از مفاهیم مرتبط با امنیت است که حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد و این احساس در خانواده، پی‌ریزی می‌شود و بر پایه اعتماد بنیادینی، ریشه در لطف و محبت بی‌دریغ والدین؛ به‌ویژه مادر دارد. احساس امنیت دارای ویژگی‌های زیر است:

- احساس امنیت، ذهنی است.
- احساس امنیت به‌خودی‌خود، قابل‌تعریف نیست و بر مبنای بودن‌بود خطر، قابلیت تعریف می‌یابد.
- احساس امنیت یک فرایند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌پذیرد.
- این وجه ذهنی امنیت، مهم‌تر از جنبه عینی آن است.
- احساس امنیت، ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی شناختی فرد را سامان می‌بخشد و پایه و بنیان وجود آدمی را درمی‌نوردد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۰)

در مطالعات نظری، ابعاد مختلفی برای امنیت اجتماعی بیان شده است. در پژوهش بیات (۱۳۸۸)، گروسی و همکاران (۱۳۸۶) و افشار (۱۳۸۵) ابعاد جانی، شغلی، عاطفی، مالی و فکری؛ مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعات انجام‌شده توسط عبدی (۱۳۸۳)، آقای و تیمورتاش (۱۳۸۹)، دلاور و رضایی (۱۳۸۶)، عبدی و همکاران (۱۳۸۸)، سیاح البرزی و صالحی (۱۳۹۴) امنیت اجتماعی شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فرهنگی، امنیت خانوادگی، امنیت اخلاقی و امنیت اقتصادی هست. باری بوزان<sup>۳۷</sup> از تئوری پردازان مکتب کپنهاک نیز ابعاد اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را برشمرده است (۱۹۹۸). در مجموع می‌توان اظهار داشت که در مکتب کپنهاک، ابعاد هویتی و فرهنگی دو بعد مهم امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. چلبی (۱۳۸۴) نیز با استناد به تئوری پارسونز، چهار علقه مادی، جانی، فکری و جمعی را علقه‌های امنیت در جامعه معرفی نموده است. معنای ذهنی امنیت فرهنگی به



معنای فقدان ترس از هجمه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله یا نابودی قرار می‌دهد (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۴). امنیت فکری نیز نداشتن نگرانی در ابراز افکار و نظر و همچنین عدم پریشانی فکری است. نظریه محرومیت نسبی. محرومیت نسبی به‌عنوان استنباط بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی<sup>۱</sup> و توانایی‌های ارزشی<sup>۲</sup> آنان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی‌ای هستند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که آن‌ها خیال می‌کنند عملاً توانایی کسب حفظ آن‌ها را دارند (گار، ۱۹۶۷: ۵۴-۵۳ به نقل از پناهی، ۱۳۸۹: ۲۷۹)؛ بنابراین محرومیت نسبی، احساس نارضایتی روانی حاصل از اختلاف تصور ذهنی افراد از وضع مطلوب و امکان دسترسی به آن است. با توجه به تعریف محرومیت نسبی، می‌توان استنباط نمود که احساس محرومیت نسبی در واقع روی دیگر سکه بهزیستی ذهنی است که می‌توان از آن به بهزیستی ذهنی منفی یاد کرد (داینر و سو، ۲۰۰۰: ۲۶).

با توجه به این نظریه، فرد ممکن است به تدریج به این باور برسد که آینده‌ای مثبت برای جامعه و وضعیت پیش روی آن متصور نمی‌توان شد. این نکته در واقع مقابل دیدگاه شکوفایی اجتماعی است. شکوفایی اجتماعی عبارت از ارزیابی توان بالقوه و مسیر تکاملی اجتماع و باور به این که اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد که از طریق نهادهای اجتماعی و شهروندان شناسایی می‌شود. شکوفایی اجتماعی یعنی باور به اینکه فرد سرنوشت خویش را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش مسیر تکاملی را کنترل می‌کند (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱). شکوفایی اجتماعی شامل درک افراد از این موضوع است که آن‌ها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که نوید توسعه بهینه را می‌دهد و هرچند این امر برای همه افراد درست نیست. شکوفایی اجتماعی انعکاس میزان کارکرد مناسب افراد است که حاصل و ثمره استقبال آن‌ها از تجربیات جدید و رشد

---

1. Value Expectations  
2. Value Capabilities

مداوم است. شکوفایی اجتماعی به موازات خودمختاری، به معنای تاوان جامعه برای کنترل فرد است. تمرکز اصلی در شناسایی پتانسیل اجتماعی هم معطوف به درون‌مایه پتانسیل اجتماعی و توسعه آن به عنوان خودشناسی خوشبختی و رشد فردی است. کارکرد بهینه ناشی از باز بودن فرد در برابر تجربیات تازه و تلاش برای رشد دائم است. شکوفایی اجتماعی هم این ایده‌های مربوط به رشد و توسعه را در برمی‌گیرد.

مدل سه وجهی کوری کیز! کوری کیز برای بهزیستی ذهنی سه وجه قائل است: بهزیستی احساسی، بهزیستی روانی و بهزیستی اجتماعی. بهزیستی اجتماعی معرف ارزیابی فرد از کیفیت عملکردش در محیط اجتماعی است و از نظر او دارای ابعاد زیر است:

- ۱- انسجام اجتماعی، ارزیابی فرد از روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است.
- ۲- پذیرش اجتماعی: پذیرش اجتماعی، نسخه اجتماعی پذیرش خود است. ۳- مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. ۴- انطباق اجتماعی: انطباق اجتماعی قابل قیاس با بی‌معنا بودن زندگی است و شامل دیدگاه‌هایی است که جامعه را قابل‌سنجش و پیش‌بینی می‌داند. ۵- شکوفایی اجتماعی: شکوفایی اجتماعی عبارت از ارزیابی توان بالقوه و مسیر تکاملی اجتماع و باور به این که اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد که از طریق نهادهای اجتماعی و شهروندان شناسایی می‌شود. (کیز، ۱۹۹۸).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش و نحوه گردآوری اطلاعات، هم در زمره تحقیقات اسنادی و هم پیمایشی است. در بخش مطالعه اسنادی، ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی از متون مختلف خارجی و داخلی احصاء گردید. سپس مدل اولیه سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی که مشتمل بر ۶ شاخص است با توجه به نظر صاحب‌نظران تدقیق شد و از نظرت ارائه شده در

جهت اصلاح مدل بهره گرفته می شود. جهت احراز روایی و پایایی مدل، در نمونه‌ای با حجم ۷۰۰ نفر در شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفت.

با توجه به ادبیات نظری و نظریات اخذ شده از صاحب نظران طی مصاحبه‌های به عمل آمده، ابعاد ذیل به عنوان ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی در نظر گرفته شده است:

- ۱- عدالت اجتماعی، ۲- پذیرش اجتماعی، ۳- یکپارچگی اجتماعی، ۴- مشارکت اجتماعی،
- ۵- شکوفایی اجتماعی، ۶- امنیت اجتماعی

### یافته‌ها

در این پژوهش برای سنجش روایی<sup>۱</sup> محتوایی از سه روش استفاده شد: استفاده از پرسش‌های آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه، نظرخواهی از اساتید و افراد متخصص در این زمینه، انجام پیش‌آزمون<sup>۲</sup> پرسشنامه تهیه شده پیش‌آزمون شد. سپس بر اساس نتایج به دست آمده پرسشنامه نهایی تدوین شد.

همچنین در این پژوهش برای سنجش اعتبار<sup>۳</sup> داده‌ها، هم اعتبار همگرا در سطح عامل و هم اعتبار ممیز در سطح معرف و همچنین عامل استفاده شد.

با توجه به اینکه مدل ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی، دارای مؤلفه‌های سلسله مراتبی است لذا جهت سنجش اعتبار همگرا در سطح معرف از بارهای عاملی استفاده شد. پس از حذف معرف‌هایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۴ بود، سه شرط ذیل برقرار گردید:

- ۱- بارهای عاملی معرف‌ها همگی مثبت و هماهنگ است.
- ۲- بارهای عاملی همه معرف‌ها از ۰/۴ بیشتر هستند.
- ۳- بارهای عاملی به دست آمده در مرتبه پایین‌تر بزرگ‌تر از مرتبه بالاتر هستند.

جدول ۱. نتایج تحلیل روایی ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی و ابعاد آن

آلفای کرونباخ		متغیرها		
۰/۹۱۱	۰/۸۴۲	عدالت توزیعی		عدالت اجتماعی
	۰/۸۴۸	عدالت رویه‌ای		
	۰/۸۶۴	عدالت مراوده‌ای		
۰/۸۸۰	۰/۷۱۸	تعلق	احساس تعهد	یکپارچگی اجتماعی
	۰/۷۷۰	اجتماعی	هویت مشترک	
	۰/۷۸۰	ارزش‌های مشترک		
	۰/۷۸۷	ارزشمندی اجتماعی		
۰/۷۶۶	۰/۷۵۴	دوستی و همبستگی		شکوفایی اجتماعی
	۰/۷۸۰	رضایت از محیط زندگی		
	۰/۷۵۷	امید به بهبود شرایط زندگی		
	۰/۵۱۰	باور به پیشرفت اجتماعی		
۰/۹۵۱	۰/۵۴۲	معنادار دانستن زندگی		ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی
	۰/۶۵۲	همدلی	همدلی خانواده	
	۰/۷۳۷	اجتماعی	همدلی دوستان	
	۰/۵۴۰	همدلی دیگران		
۰/۸۵۵	۰/۴۸۳	حمایت اجتماعی	حمایت خانواده	پذیرش اجتماعی
	۰/۶۱۴	اجتماعی	حمایت دوستان	
	۰/۳۰۸	حمایت دیگران		
	۰/۵۶۹	اعتماد اجتماعی	اعتماد شخصی	
۰/۷۷۸	۰/۷۵۲	اعتماد نهادی		مشارکت اجتماعی
	۰/۷۰۸	شبکه خانوادگی		
	۰/۶۶۷	گروه دوستان		
	۰/۷۰۲	شبکه اجتماعی		
۰/۷۶۴	۰/۶۹۸	امنیت فرهنگی		امنیت اجتماعی
	۰/۶۶۱	امنیت فکری		
	۰/۵۱۳	امنیت جانی		
	۰/۴۴۵	امنیت مالی		

در جدول ذیل بارهای عاملی معرف‌ها و عامل‌ها پس از اصلاح مدل، بیان شده است:

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی
عدالت اجتماعی	عدالت توزیعی	افراد بانفوذ به دلیل موانع قانونی و نظارتی	۲۹	۰/۸۸۶
		نمی‌توانند حق و حقوق مردم را پایمال کنند		
		در جامعه ما تلاش و زحمت کسی به حساب دیگری گذاشته نمی‌شود	۱۱۰	۰/۷۶۵

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی
عدالت رویه‌ای		احساس می‌کنم پاداش‌های دریافتی افراد در قبال عملکردشان در جامعه، عادلانه است	۱۱۱	۰/۸۳۷
		در جامعه ما، وابستگی‌ها و نسبت‌های خویشاوندی موجب امتیازات ویژه نمی‌شود	۱۱۲	۰/۷۷۵
		در جامعه ما اجازه به چالش کشیدن یا درخواست تجدیدنظر در تصمیمات مدیران و مسئولان وجود دارد	۱۰۹	۰/۷۱۵
		در جامعه ما مردم می‌توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند برسند	۱۰	۰/۷۸۴
		در جامعه ما قانون در مورد مردم و مسئولان یکسان اجرا می‌شود	۲۰	۰/۷۳۳
		در نظام آموزشی ما، همه می‌توانند به آنچه استحقاق آن را دارند برسند	۱۲	۰/۸۱۹
		در سازمان‌ها و ادارات با مردم با احترام و عزت رفتار می‌شود	۱۱۳	۰/۷۹۸
		مدیران معمولاً با مردم صادقانه رفتار می‌کنند	۱۱۴	۰/۸۳۲
		مسئولان و مدیران به هنگام تصمیم‌گیری نسبت به نیازهای شخصی افراد حساس هستند	۱۱۵	۰/۷۹۳
		معمولاً توضیحات لازم نسبت به تصمیماتی که به ما مرتبط است به ما داده می‌شود	۱۱۶	۰/۷۰۸
احساس تعهد		خود را نسبت به خانواده خود متعهد می‌دانم	۲	۰/۷۴۴
		خود را نسبت به جامعه متعهد می‌دانم	۱۱	۰/۷۷۶
		در هر جای دنیا که باشم به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم	۱۵	۰/۴۹۶
		از اینکه عضوی از خانواده خود هستم احساس خوبی دارم و خود را از آنان می‌دانم	۳۰	۰/۷۷۸
یکپارچگی اجتماعی	تعلق اجتماعی	خود را نسبت به خانواده خود متعهد می‌دانم	۲	۰/۷۴۴
		خود را نسبت به جامعه متعهد می‌دانم	۱۱	۰/۷۷۶
هویت مشترک		در هر جای دنیا که باشم به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم	۱۵	۰/۴۹۶
		از اینکه عضوی از خانواده خود هستم احساس خوبی دارم و خود را از آنان می‌دانم	۳۰	۰/۷۷۸

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی
ارزش های مشترک	ارزش های خود را با ارزش های خانواده ام هماهنگ می بینم	۸۷	۰/۸۳۴	۰/۶۲۳
	ارزش های من با ارزش های رایج و مورد پذیرش جامعه، هماهنگ است	۶۹	۰/۷۶۳	
ارزشمندی اجتماعی	خانواده ام برایم ارزش قائل هستند	۴	۰/۵۸۷	۰/۸۱۴
	دوستانم برایم ارزش قائل اند	۱۹	۰/۷۱۲	
	کادر مدرسه/ دانشگاه برایم ارزش قائل اند	۳۴	۰/۷۲۴	
	معتقدم سایر افراد جامعه برای من به عنوان یک فرد ارزش قائل اند	۲۴	۰/۷۴۲	
دوستی و همبستگی	با اعضای خانواده خود احساس صمیمیت و نزدیکی می کنم	۳۶	۰/۶۵۸	۰/۸۲۴
	با دوستان خود احساس صمیمیت و نزدیکی می کنم	۵۴	۰/۶۴۱	
	با کادر مدرسه/دانشگاه خود احساس صمیمیت و نزدیکی نمی کنم	۳۸	۰/۶۶۷	
	با سایر افراد مورد اعتمادی که در جامعه با آن ها مراوده دارم، احساس دوستی می کنم	۴۱	۰/۶۶۶	
رضایت از محیط زندگی	از زندگی در خانواده ام راضی هستم	۱۱۸	۰/۵۷۱	۰/۸۰۶
	از مدرسه ای که در آن درس می خوانم راضی ام	۱۱۹	۰/۷۳۲	
	از زندگی در این شهر راضی ام	۴۴	۰/۷۲۵	
	از زندگی در این محله راضی هستم	۶۰	۰/۷۰۸	
امید به بهبود شرایط زندگی شکوفایی اجتماعی	احساس می کنم شرایط زندگی ام در آینده بهتر خواهد شد	۵۰	۰/۷۹۳	۰/۸۸۲
	فکر می کنم شرایط خانوادگی ام در آینده مناسب تر از شرایط حال حاضر باشد.	۱۲۰	۰/۸۱۴	
	می توانم آینده ام را تغییر دهم	۱۲۱	۰/۸۵۴	
باور به پیشرفت اجتماعی	به نظر من روند کلی جامعه پیوسته رو به رشد است	۲۷	۰/۷۲۳	۰/۸۱۴

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی
		به نظر من در جامعه ما، همه امکان کار و فعالیت دارند	۲۸	۰/۵۸۴
		به نظر من با تلاش می توان در جامعه، آینده خوبی برای خود رقم زد.	۱۲۲	۰/۷۶۴
		من زندگی را با معنا و هدفمند می دانم	۵۵	۰/۸۷۱
معنادر دانستن زندگی		به نظر من هر چیزی در زندگی حکمتی دارد و می توان به آن به عنوان پله ای برای رشد نگاه کرد.	۲۱	۰/۷۸۰
		خانواده ام صرف نظر از این که چه کسی هستم و چه جایگاهی دارم مرا می پذیرند	۷	۰/۷۳۴
		خانواده ام تحت هر شرایطی که باشم پذیرای من هستند.	۱۳	۰/۸۲۱
همدلی خانواده		فکر می کنم حتی اگر یک روز مرتکب بزرگ ترین اشتباه هم بشوم باز خانواده ام مرا می پذیرند	۴۲	۰/۷۴۹
		دوستانم صرف نظر از این که از چه طبقه ای هستم و چه جایگاهی دارم مرا می پذیرند	۴۵	۰/۸۱۱
		دوستانم تحت هر شرایطی که باشم پذیرای من هستند.	۴۷	۰/۸۸۴
همدلی اجتماعی پذیرش اجتماعی		فکر می کنم حتی اگر یک روز مرتکب بزرگ ترین اشتباه هم شوم باز دوستانم مرا می پذیرند	۴۹	۰/۸۳۶
		در جامعه ما مردم حتی با افراد غریبه به هنگام بروز مشکلات همدلی می کنند	۵۱	۰/۷۲۲
		احساس می کنم اگر با مشکلی مواجه شوم در جامعه می توانم روی کمک دیگران حساب کنم	۵۹	۰/۶۹۰
همدلی دیگران		فکر می کنم وقتی برایم اتفاق خوشایندی رخ دهد، دیگران نیز خوشحال شوند	۲۲	۰/۷۵۰
		احساس می کنم خانواده ام برای کمک به من واقعاً تلاش می کنند	۶۲	۰/۸۵۳
حمایت اجتماعی	حمایت خانواده			۰/۷۵۲
				۰/۶۹۷

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گونه (p)	بارهای عاملی
		من می توانم راجع به مشکلاتم با خانواده ام صحبت کنم	۶۶	۰/۷۶۶
	حمایت	احساس می کنم دوستانم واقعاً تلاش می کنند به من کمک کنند	۷۰	۰/۸۲۲
	دوستان	من دوستانی دارم که می توانم ناراحتی ها و خوشی هایم را با آن ها در میان بگذارم	۱۰۲	۰/۸۰۸
	حمایت	به هنگام نیاز غیر از خانواده و دوستان، کسی هست که به من کمک کند	۶۴	۰/۷۵۸
	دیگران	شخص خاصی وجود دارد که منبع آرامش بخشی برای من است	۷۳	۰/۷۳۶
	اعتماد شخصی	در مجموع به آشنایان نزدیک خود اعتماد دارم	۱۰۷	۰/۶۷۱
		در حالت معمول به همسایگان خود اعتماد دارم	۳۹	۰/۷۳۷
		به همکلاسی های خود اعتماد دارم	۷۷	۰/۷۸۴
	اعتماد اجتماعی	به کادر آموزشی مدرسه / دانشگاه اعتماد دارم	۷۹	۰/۷۳۰
		نیروهای نظامی و انتظامی مورد اعتماد من هستند	۸۰	۰/۷۰۳
	اعتماد نهادی	به صداوسیما اعتماد دارم	۸۳	۰/۷۰۴
		مدیران و مسئولان سازمان های دولتی مورد اعتماد من هستند	۹۰	۰/۶۹۱
		به کادر درمانی (پزشکان و پرستاران) اعتماد دارم	۱۲۵	۰/۵۸۰
		به قضات اعتماد دارم	۱۲۶	۰/۵۹۲
		علاقه دارم با خانواده خود به گردش بروم	۳۱	۰/۷۸۲
مشارکت اجتماعی	شبکه خانوادگی	علاقه دارم در مهمانی های فامیلی شرکت کنم	۴۳	۰/۸۱۱
		دوست دارم خیلی از کارها را به همراه خانواده ام انجام دهم (مثل مسافرت، تفریح و ...)	۱۲۴	۰/۷۸۹



طراحی مدل سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی / ۱۳۷

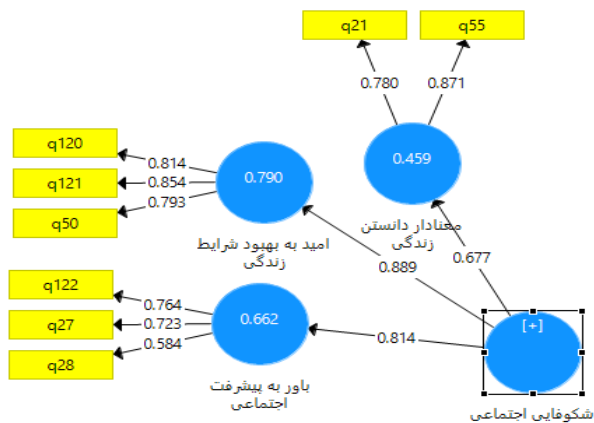
ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی	
گروه دوستان		در رفع مشکلات همکلاسی‌های خود شرکت می‌کنم	۹۴	۰/۶۷۱	
		تمایل دارم با دوستان و همکلاسی‌ها/همکاران خود به گردش دسته‌جمعی بروم	۹۶	۰/۸۳۳	
		از شرکت در فعالیت‌های گروهی دوستانم استقبال می‌کنم	۹۷	۰/۸۱۵	
		به شرکت در مراسم اجتماعی و فرهنگی در شهر خود تمایل دارم	۱۰۰	۰/۷۳۸	
		به برپایی مراسم اجتماعی و فرهنگی در محله/شهر خود کمک می‌کنم	۱۰۱	۰/۷۲۰	
		تمایل دارم در مراسم اجتماعی و فرهنگی مدرسه/ دانشگاه شرکت کنم	۱۰۸	۰/۵۸۷	
		تمایل دارم به‌صورت داوطلبانه در فعالیت‌های امدادی یا خیریه‌ای شرکت کنم	۱۰۳	۰/۶۴۱	
		در فعالیت‌های ورزشی و هنری شرکت می‌کنم	۱۲۷	۰/۵۴۶	
		در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی شرکت می‌کنم	۱۲۸	۰/۵۶۸	
		امنیت اجتماعی		من به اعیاد ملی و رسوم متداول آن در جامعه اهمیت می‌دهم	۸۲
من به اعیاد مذهبی و رسوم متداول آن در جامعه اهمیت می‌دهم	۸۴			۰/۶۴۵	
برخلاف آنچه گفته می‌شود، مردم در عمل به ارزش‌های اخلاقی پایبند نیستند	۹۳			۰/۴۳۴	
به نظر من ارزش‌های مادی جایگزین بسیاری از ارزش‌های انسانی و اخلاقی در جامعه شده است	۱۳۰			۰/۴۹۹	
هنجارشکنی و قانون‌شکنی، امری طبیعی شده و همه نسبت به آن بی‌تفاوت هستند	۱۳۱			۰/۵۹۲	

ابعاد	شاخص	معرف	شماره گویه (p)	بارهای عاملی
امنیت فکری		در جامعه ما افراد به راحتی افکار و عقایدشان را بیان می‌کنند	۷۵	۰/۸۱۹
		فضای مناسب جامعه باعث شده است که من بدون دغدغه فکری به کارهایم بپردازم	۵۷	۰/۷۱۹
		همه افراد از آزادی برای ابراز عقیده و نظر خود برخوردارند	۷۱	۰/۷۷۵
امنیت جانی		اگر حادثه‌ای برای کسی پیش آید، بیمارستان‌ها به راحتی و تحت هر شرایطی او را می‌پذیرند	۱۰۶	۰/۷۳۰
		در شرایط فعلی، یک فرد به تنهایی حتی به هنگام تاریک شدن هوا، جرئت قدم زدن در یک مسیر خلوت را دارد	۶۸	۰/۷۲۴
		من تهدیدی علیه جان خود در جامعه احساس نمی‌کنم	۱۳۲	۰/۶۷۶
امنیت مالی		از نظر مالی دغدغه‌ای ندارم	۶۵	۰/۷۴۷
		من برای تأمین نیازهای اساسی خود در جامعه با مشکل مالی مواجه نیستم	۱۳۵	۰/۷۳۶
		وضع مردم طبقه متوسط به پایین روزبه‌روز بهتر می‌شود	۴۶	۰/۵۸۲

شاخص شکوفایی اجتماعی: معرفه‌ای ۸، ۴۸ و ۵۲ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر چهار متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل فوق به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی<sup>۱</sup> نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد (شکل‌های مستطیل بیانگر معرفه‌ای آشکار است که در پرسشنامه درج شده‌اند و نماد دایره بیانگر شاخص‌ها هستند):

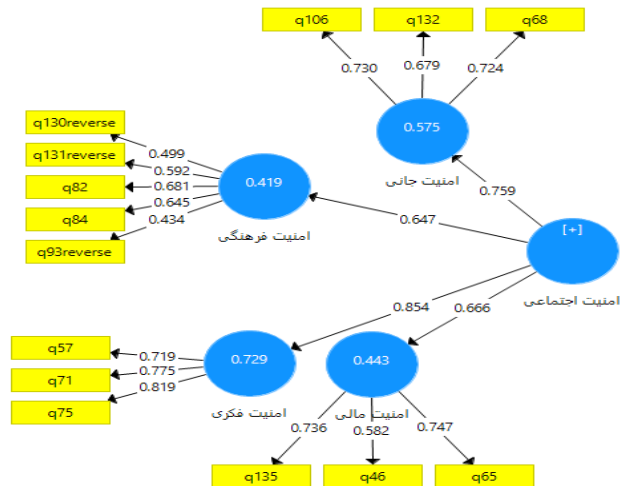
## 1. Composite Reliability

ضریب اعتماد ترکیبی	
امید به بهبود شرایط زندگی	۰/۸۶۱
باور به پیشرفت اجتماعی	۰/۷۳۴
شکوفایی اجتماعی	۰/۸۳۱
معنادار دانستن زندگی	۰/۸۱۱



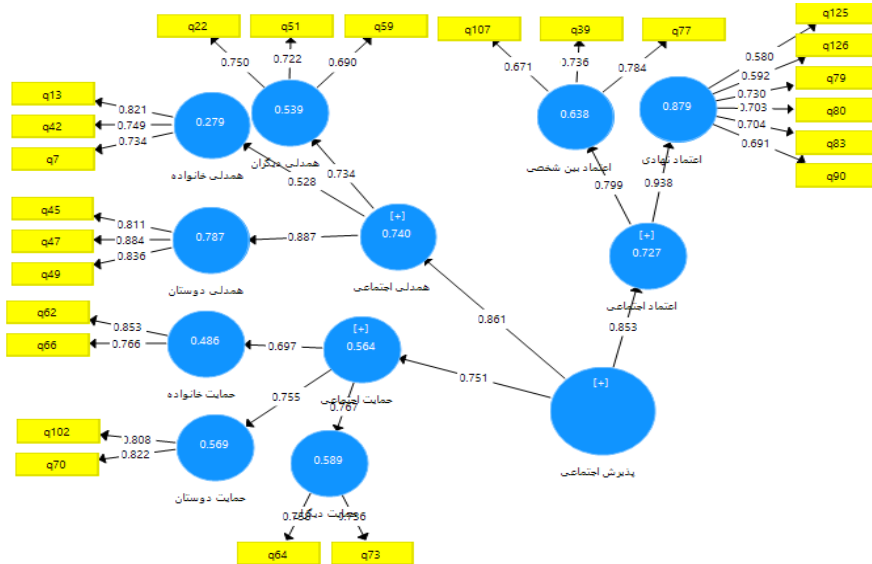
شاخص امنیت اجتماعی: معرفه‌ای ۷۸، ۲۵، ۹۹، ۵۶، ۳۲، ۶۳، ۳۵ و ۱۳۲ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر چهار متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل ذیل به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:

ضریب اعتماد ترکیبی	
امنیت اجتماعی	۰/۸۱۵
امنیت جانی	۰/۷۵۴
امنیت فرهنگی	۰/۷۰۹
امنیت فکری	۰/۸۱۵
امنیت مالی	۰/۷۳۲



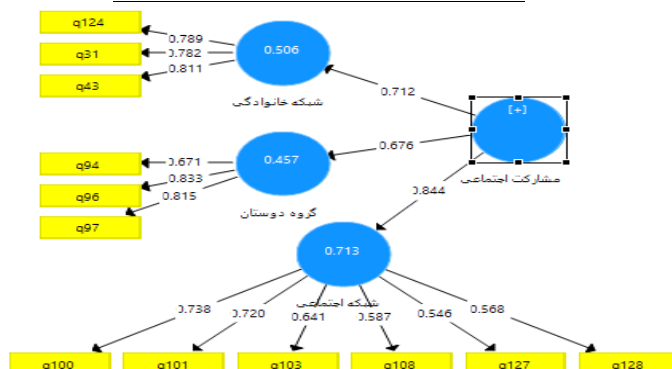
شاخص پذیرش اجتماعی: معرفه‌ای ۶۳، ۶۷، ۷۲، ۱۰۴، ۹۸، ۶، ۷۶، ۸۵ و ۹۲ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر چهار متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل ذیل به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:

ضریب اعتماد ترکیبی	
اعتماد اجتماعی	۰/۸۴۲
اعتماد بین شخصی	۰/۷۷۵
اعتماد نهادی	۰/۸۲۸
حمایت اجتماعی	۰/۷۵۶
حمایت خانواده	۰/۷۹۳
حمایت دوستان	۰/۷۹۸
حمایت دیگران	۰/۷۱۶
همدلی اجتماعی	۰/۸۰۹
همدلی خانواده	۰/۸۱۲
همدلی دوستان	۰/۸۸۱
همدلی دیگران	۰/۷۶۴
پذیرش اجتماعی	۰/۸۸۲

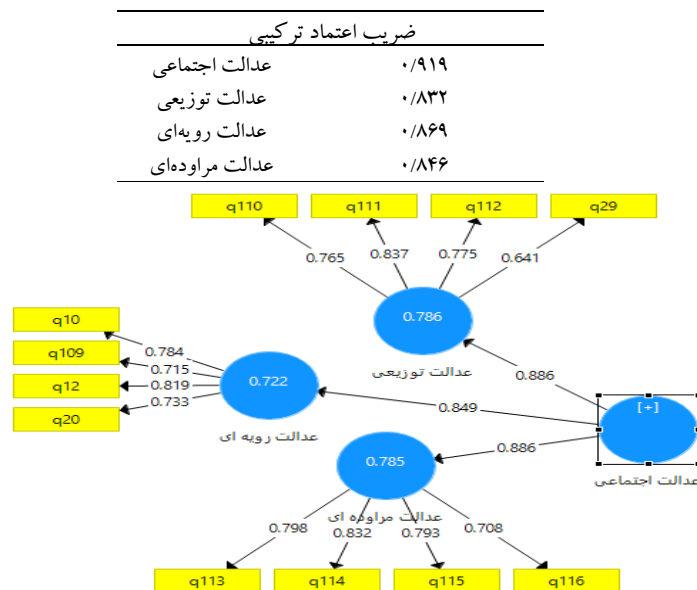


شاخص مشارکت اجتماعی: معرفه‌ای ۷۴ و ۱۲۳ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر چهار متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل ذیل به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:

ضریب اعتماد ترکیبی	
شبکه اجتماعی	۰/۸۰۲
شبکه خانوادگی	۰/۸۳۷
مشارکت اجتماعی	۰/۸۳۱
گروه دوستان	۰/۸۱۹

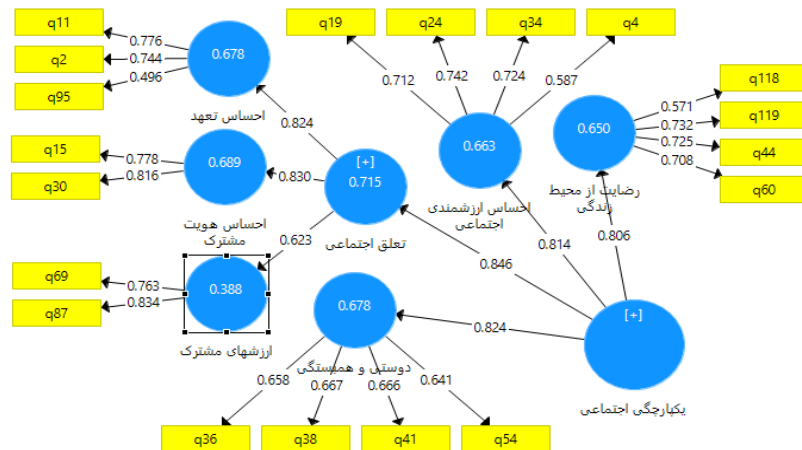


شاخص عدالت اجتماعی: معرفه‌ای ۱،۳،۱۴ و ۲۶ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر سه متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل فوق به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:



شاخص یکپارچگی اجتماعی: معرفه‌ای ۳۷ و ۹۵ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف شدند بدین ترتیب با حذف آن‌ها شاخص AVE برای هر چهار متغیر پنهان، بالاتر از ۰/۵۰ شد. بارهای عاملی این شاخص در شکل ذیل به نمایش درآمده است. همچنین ضریب اعتماد ترکیبی نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:

ضریب اعتماد ترکیبی	
احساس ارزشمندی	۰/۷۸۷
تعلق اجتماعی	۰/۷۴۴
دوستی و همبستگی	۰/۷۵۴
رضایت از محیط زندگی	۰/۷۸۰
یکپارچگی اجتماعی	۰/۸۸۱



ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی: جهت وضوح بیشتر تحلیل مدل، متغیرهای پنهان به صورت جداگانه پیش از این مورد بررسی قرار گرفتند. ضریب اعتماد ترکیبی متغیرهای مرتبه بالاتر نیز قابلیت مدل و مؤلفه‌های آن را تأیید می‌نماید و نقطه برش بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد:

ضریب اعتماد ترکیبی	
عدالت اجتماعی	۰/۹۰۷
یکپارچگی اجتماعی	۰/۸۸۴
شکوفایی اجتماعی	۰/۸۳۱
پذیرش اجتماعی	۰/۸۷۶
مشارکت اجتماعی	۰/۸۲۹
امنیت اجتماعی	۰/۸۰۶
بهزیستی ذهنی	۰/۹۵۴

اعتبار ممیز در سطح عامل و استفاده از شاخص فورنل و لارکر بیانگر آن است که بار عاملی عامل‌های مرتبه پایین که ریشه دوم AVE است از تمام ضرایب سطر و ستونی که در آن قرار گرفته بالاتر و بیانگر اعتبار ممیز مدل کلی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

تاکنون سنج‌های مختلفی برای بهزیستی ذهنی ایجاد و مورد استفاده قرار گرفته است لیکن بعد اجتماعی آن عمدتاً بر اساس سنج‌های که کینز طراحی نموده است به اجرا در آمده است.

برخی سنجه‌ها نیز این بعد را تحت عنوان سلامت اجتماعی<sup>۱</sup> بکار برده‌اند. پرسشنامه سلامت اجتماعی رفیعی و همکاران (۱۳۹۴) مبتنی بر مؤلفه‌های تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وظیفه‌شناسی، نگرش به جامعه، همدلی، روابط خانوادگی و مشارکت اجتماعی است که از ۲۹ سؤال تشکیل شده است لیکن با توجه به مبانی نظری موجود نتوانسته است این بعد را پوشش دهد. از سوی دیگر تقلیل بهزیستی ذهنی به بهزیستی روانی و عاطفی موجب نادیده گرفتن صفاتی نظیر احساس عدالت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی می‌گردد که سازنده بخش مهمی از قضاوت مثبتی است که هر فرد می‌تواند از زندگی خود داشته باشد و در یک کلام بهزیستی ذهنی اوست. تمرکز بر ابعاد روانی و عاطفی در سنجش بهزیستی ذهنی، ما را در ارزیابی دقیق این صفت که نقش قابل توجهی در دستیابی به جامعه‌ای بهنجار دارد، بازداشته و نمی‌تواند نیم‌رخ واقعی از صفت مذکور به دست دهد. در اغلب تحقیقات نیز که به سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی پرداخته‌اند، از پرسشنامه بهزیستی اجتماعی کیز استفاده نموده‌اند (حیدری و غنائی، ۱۳۸۷؛ شریتیان و طوافی، ۱۳۹۵ و دیگران) سنجه ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی دارای همخوانی درونی است؛ به عبارت دیگر سؤالات ابزار ساخته شده از همبستگی متقابل بالایی برخوردارند؛ به عبارت دیگر همسانی ماده‌ها و اجزای تشکیل دهنده هر یک از عامل‌های تشکیل دهنده سنجه و در کل سنجه بسیار مناسب است و بیانگر پایایی بالای آن است. کسانی که نمره‌ای بالاتر از ۳۰۲ امتیاز بگیرند، دارای بهزیستی بالا، افرادی که نمره سنجه آن‌ها ۲۳۱-۳۰۲ باشد دارای بهزیستی ذهنی متوسط و کسانی که کمتر از ۲۳۱ امتیاز کسب نمایند دارای بهزیستی ذهنی پایینی هستند. این سنجه تاکنون در بین دانش‌آموزان و دانشجویان به صورت جداگانه هنجاریابی شده و از اعتبار قابل قبولی برخوردار بوده است.



## منابع

- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵). *امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- افشانی، سیدعلیرضا و ذاکری همامانه، راضیه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ۱۰، ۳ (پیاپی ۳۸)، ۱۶۲-۱۴۵.
- آقایی، علی‌اکبر، تیمورتاش، حسن (۱۳۸۹). بررسی رابطه و فرآیند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی، دانشنامه ۴، ۳، ۲۲-۳.
- آیزنک، مایکل (۱۳۷۸). *روانشناسی شادی*، ترجمه فیروزبخت و بیگی، تهران: انتشارات بدر.
- بخارایی، احمد؛ طالبی، محمدعلی؛ محتشم، صدرالله (۱۳۹۵). مطالعه میزان نشاط اجتماعی در شهر بوشهر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، ۴۸، ۱۷-۳۶.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت. تهران: امیرکبیر.
- پلاچیک، رابرت (۱۳۷۱). *هیجان‌ها: حقایق، نظریه‌ها و یک مدل جدید*، ترجمه رمضان زاده، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: نی.

حاجی زاده میمندی، مسعود و ترکان، رحمت اله (۱۳۹۴). بررسی میزان و عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهر، سال پنجم، ۱۶، ۸۶-۵۹

حیدری ساربان، وکیل و یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان مطالعه موردی: شهرستان اردبیل، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۷، ۲۵.

دلاور، علی، رضایی، علی محمد (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای احساس امنیت در تهران بزرگ و یزد. فصلنامه امنیت. شماره ۵، ۴، صفحات ۱۵۳-

رضادوست، کریم؛ فاضلی، عبدالله و مقتدایی، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۸، ۴، ۲۹-۴۶.

ریو، جان مارشال (۱۳۹۶)/ انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش زارع شاه‌آبادی، اکبر، مبارکی، محمد، نائینی، الهه فردوسی زاده (۱۳۹۴). تحلیل رابطه بین نشاط اجتماعی و گرایش به اعتیاد در بین جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر یزد، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، ۶، ۱۴۵-۱۷۴

زند، امین؛ شمس، جمال؛ نزهت، شاکری و چتر زرین، فریبا (۱۳۹۶) رابطه بین احساس شادکامی و عود سو مصرف مواد، فصلنامه پژوهش در پزشکی، ۴۱، ۱، ۳۱-۳۶.  
سپیریان آذر، فیروزه؛ محمدی، نسیم؛ بدلیپور، زینب و نوروززاده، وحید (۱۳۹۵) رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت زناشویی، مجله سلامت و مراقبت، سال هجدهم، ۱.  
سیاح البرزی، هدایت؛ صالحی، سید رضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر طرح ارتقاء امنیت اجتماعی بر ابعاد امنیت اجتماعی از منظر کارشناسان ناجا، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۳، ۱۰۳-۱۱۸.

شولتس، دوان (۱۳۶۹). روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: نشر نو.  
صالحی امیری، سید رضا و افشاری نادری، افسر (۱۳۹۰). مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، ۵۹.

صحرائیان، علی؛ غلامی، عبدالله و امیدوار، بنفشه (۱۳۹۰). رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، *افق دانش*، دوره ۱۷، ۱، ۶۹-۷۵. طریقه‌دار، محسن (۱۳۷۹). *شرع و شادی*، قم: موسسه فرهنگی انتشارات حضور. عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). زنان در عرصه عمومی (عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی)، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

عبدی، توحید (۱۳۸۳). *میزگرد پلیس مطلوب. دومانه نشریه علوم انتظامی*. ۲. عبدی، توحید، شرافتی‌پور، جعفر، سجادی، سید غلامرضا (۱۳۸۸). تأثیر عملکرد پلیس اجراییات در افزایش احساس امنیت شهروندان مراجعه‌کننده به بوستان‌های تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۴، ۵۸۷-۶۰۰.

عبری، موسی (۱۳۹۲). ستایش‌های شادمانه: الگوی موثر شادزیستی مردمی در ایران، *پژوهشنامه انسان‌شناسی*، دوره ۱۱، ۱۸، ۱۰۱-۱۲۹.

عبری، موسی و حقی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان. *مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان*، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، ۵۳.

فرجی، طوبی و خائیمیان، طلعه (۱۳۹۲). بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، ۱۰، ۸۷-۱۰۲.

کسل، فیلیپ (۱۳۸۳). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس گروسی، سعیده و دیگران (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت). *فصلنامه دانش انتظامی*، ۳۳، ۳۹-۲۶.

گلابی، فاطمه و اخشی، نازیلا (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، ۵۹.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: نشر مرکز. مختاری، مرضیه و نظری، جواد (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- مشرف جوادی، محمدحسین و ابوطالبی، محمدمهدی (۱۳۸۹). بررسی شاخصه‌های عدالت سازمانی در نهج‌البلاغه با تأکید بر فرمان امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۱۹، ۳۶-۱۱.
- میرشاه‌جعفری، ا. عابدی، م؛ و دریکندی، ه. (۱۳۸۱) شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، تهران: فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۳، ۵۸-۵۰.
- نوابخش، فرزاد (۱۳۹۰). بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه‌مذهب قوم کرد نمونه موردی شهر قروه، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره هفتم، ۳۲: ۱۸۰-۱۴۴.
- نوایی لواسانی، محمد، صدیق سروستانی، رحمت‌الله و زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۲). احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره سیزدهم، ۴۹: ۱۸۶-۱۵۹.
- وحید، فریدون؛ و دادحیر، ابوعلی؛ فرنام، محمد (۱۳۹۳). نشاط عمومی در زندگی اجتماعی - فرهنگی شهر: مطالعه‌ای با رویکرد تئوری کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهر، سال پنجم، ۱۱، ۳۴-۱.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و دوم، ۴۳: ۶۳-۴۱.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، ۷۸.
- هزارجریبی، جعفر و استین، افشان (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی با تأکید بر استان تهران، جامعه‌شناسی کاربردی ۱: ۱۱۹-۱۴۶.

Argyle, G. (2001). *The psychology of happiness*, London, Rutledge.

Bauman, Z, May, Tim (2001). *Thinking Sociologically*, John Wiley & Sons, Polity Press.

Bauman, Z. (2013). *The art of life*, Wiley Press. 2<sup>nd</sup> ed.

Blakely, G.L, Andrews, M.C. and Moorman, R.H. (2005). "The moderating effects of equity sensitivity on the relationship between organizational justice and organizational citizenship behaviors", *Journal of Business and Psychology*, 20/2: 259-273.

- Bovier, P. A. Chamot, E. & Perneger, T. V. (2004). " Stress, Internal Resources, and Social Support as Determinants of Mental Health Among Young Adults", *Quality of Life Research*, 13, 161-170.
- Burleson BR, Albrecht TL, Sarason IG. (1994). *Communication of social support: messages, interactions, relationships, and community*. London: Sage Publications
- Buzan, B. Wæver, O. & De Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*, Lynne Rienner Publishers.
- Campbell, M,A, Converse, P.E.,and Rodgers, W.L.(1976). *The Quality of American Life Perceptions, Evaluations and Satisfactions*, New York: Russell Sage Foundation.
- Diener, E. & Oishi, S. (2000). *Money and happiness: Income and subjective well-being across nations*, In E. Diener & E. Suh, (Eds.) *Subjective well-being across cultures*, Cambridge: MIT Press.
- Diener, E. (2000). "Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index", *American Psychologist*, 55, 34—43.
- Diener, E. Suh, E. M.) 2000). *Culture and Subjective Well-being*, London, The MIT Press.
- Diener, E. and Fujita, F. (1994). "Social Comparisons and Subjective Well-being", In B.P. Buunk and F.X. Gbbons, eds. *Health, Coping, and Well-being*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum, pp. 329-57.
- Diener, E. Diener, M. (1995). "Cross-Cultural Correlates of Life Satisfaction and Self-esteem", *Journal of Personality and Social Psychology* 68: 653-63.
- Diener, E. Suh, E. M. Smith, H. and Shao, L. (1995). "National Difference in Reported Subjective Well-being: Why Do They Occur?", *Social Indicators Research* 34: 7-32.
- Diener, E. Suh, E. & Oishi, S. (1997). "Recent findings on subjective well-being", *Indian Journal of Clinical Psychology*, 24, 25-41.
- Frank, F. H. (1999). *Luxury fever: Why money fails to satisfy in an era of excess*, New York: Free Press.
- Goodman C. (1999). "Intimacy and Autonomy in Long-Term Marriage", *Journal of Gerontological Soc Work*, 32(1):83-97.
- Hee Shin, D. (2010). "The Effects of Trust, Security and Privacy in Social Networking: A Security-based Approach to Understand the Pattern of Adoption", *Interacting with Computers*, 22(5), pp.428-438.
- Henriques, G. (2013). "Happiness Versus Well-Being", access on: <https://www.psychologytoday.com/blog/theory-knowledge/201302/happiness-versus-well-being>
- Johnson, W & Krueger, R (2006). "How money buys happiness: genetic and environmental process linking finances and life satisfaction", *Journal of Personality and Social Psychology*, 2(10), 680-683.

- Keyes, Corey Lee (1998). "Social Well-being, Social Psychology", Quarterly Vol. 61, N.2, pp 21-190.
- King, L.A. and Napa, C.K. (1998). "What Makes a Good Life?", Journal of Personality and Social Psychology 75: 156-65.
- Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a new science*. New York: Penguin Books.
- Markus, H.R. Kitayama, S. and Heiman, R.J. (1996). Culture and "Basic" Psychological Principale, In E.T. of Mutual Influence. Washington Dc: American Psychological Association, pp.89-130.
- Michalos, A. C. (1985). "Multiple discrepancy theory", Social Indicator Research, 16, 347-413
- Moller, Bjorn (2000). "National, Societal and Human security: Discussion-Case study of the Israel- Palestine Conflict", <http://sociology82.blogfa.com>.
- Oishi, S. Diener, E. Lucas, R. E. and Suh, E.M. (1999). "Cross-Cultural Variations in Personality and Social Psychology", Bulletin 25: 980-90
- Rego, A and Cunha, M, A. (2006). "Five-Dimensional Model of Organizational Justice", Documentos de Trabalho em Gestão, Universidade de Aveiro, DEGEI.
- Rischel, J. (2007). "Evidence-Based Prevention Practice in Mental Health: What Is It and How Do We Get There?", American Journal of Orthopsychiatry, 77, 153-164.
- Sarafino, E. P. (2002). *Health psychology* (4th ed). New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Sarason, I. G. (1988). "Social Support, personality and health", In M. Janniss (ED). Individual differences, Stress and health Psychology. Springer-Verlag.
- Seligman, ME. (2002). "Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment", New York: Free Press. ISBN 0-7432-2297-0
- Suh, E. M. Diener, E. (1999). *Self and the Use of Emotion Information: Joining Culture, Personality, and Situational Influences*. Manuscript Submitted for Publication.
- Veenhoven, R. (1998). *Happiness in Nation*, introductory text, Chapter 1: Quest for the Good Society.
- Veenhoven, R. (2001). "Interdisciplinary forum on subjective well- being", Journal of happiness studies 2: 85-92.
- Veenhoven, R. (2008). "Sociological Theories of Subjective Well-being", In: Michael Eid & Randy Larsen (Eds). "The Science of Subjective Well-being: A tribute to Ed Diener", Guilford Publications, New York, pp. 44-61
- Veenhoven, R. & Kalmijn, W. (2005). "Inequality-adjusted happiness in nations: Egalitarianism and Utilitarianism married together in a new index of societal performance", Journal of Happiness Studies, 6, 421—455.